

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال دوم، شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۰

صفحات: ۹۶ - ۸۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۴/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۳

آسیب شناسی لزبینیسم

محسن دوست کام *

مهناز مهرابی زاده هنرمند**

سجاد علی قنواتی***

سپیده پورحیدری*

چکیده

بی شک، جهت گیری جنسی انسان یکی از زمینه های مورد مطالعه در روانشناسی است که با توجه به اهمیت آن در تعیین طرحواره های جنسی، شرکای جنسی و رفتار های جنسی، بررسی ابعاد آن از دیدگاهی چند وجهی ضروری می نماید. روند رو به افزون انحرافات جنسی در غرب و تاثیر گذاری آن بر سیاست، اقتصاد و ... پدیده ای است که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. شکی نیست که نقش زن در این میان بی تاثیر نیست. فرهنگ غرب که امروزه زن را به عنوان کالای تجاری می نگرد از هیچ تغییر در جهت پیشبرد اهدافش رویگردان نیست و حتی تلاش در جهت اشاعه این باور ها به دیگر فرهنگ ها دارد. در این مقاله علاوه بر دیدگاه های مربوط به همجنس گرایی، اعم از زیستی، فرهنگی، روانی و اجتماعی، بویژه نظریه فمینیسم - لزبینیسم که در شکل گیری و تلقین باورهای نادرست درباره همجنس گرایی زنان و تزیق آن به فرهنگ نقش اساسی دارد، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژگان: آسیب شناسی، لزبینیسم

* دانشجوی دکتری روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول - comyahoo@doust.kam.nohsen)

** استادیار گروه روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

** کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

جهت گیری جنسی انسان یکی از زمینه های مورد مطالعه در روانشناسی است که با توجه به اهمیت آن در تعیین طرحواره های جنسی، شرکای جنسی و رفتار های جنسی، بررسی ابعاد آن از دیدگاهی چند وجهی ضروری می نماید. جهت گیری جنسی، شامل همجنس گرا، دگرجنس گرا و دوجنس گرا می باشد. اگرچه از سال ۱۹۷۰ به بعد انجمن روانشناسی آمریکا، اختلال جنسی همجنس گرایی را از نسخه های جدید راهنمای تشخیص اختلالات روانی خود حذف کرده و آن را اختلال نمی داند (ذکر این نکته ضروری است که DSM اختلال همجنس گرایی را به دو زیر طبقه خود - همخوان و خود-نا همخوان تقسیم می کند و زیر طبقه خود - نا همخوان را اختلال می داند). اما برخی ملاحظات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی در خود کشور آمریکا، باعث گردیده تا در رابطه با این موضوع برخورد محتاطانه تری انجام گیرد. روشن است که معیار های فرهنگی جامعه آمریکا را نمی توان با معیار های جامعه خودمان و دیگر جوامع اسلامی مورد مطابقت و پذیرش قرار داد. امروزه حتی در بسیاری دیگر از کشورهای غیر اسلامی نیز همجنس گرایی، چه در زنان و چه در مردان، آزاد و قانونی نمی باشد (دوست کام، پورحیدری و بساک نژاد، ۱۳۸۹).

طبق گزارش کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ در خصوص همجنس گرایی، ۸۵ کشور همجنس گرایی را جرم اعلام کردند. مجازات ها از ۲ تا ۲۵ سال زندان (در کشورهایی مثل مالی، سنت لوسیا) تا اعدام (در کشورهایی همانند، عربستان و پاکستان) متغیر است. همجنس گرایی در ۱۲۵ کشور دیگر آزاد و قانونی است (به نقل از مک آنالتی^{۸۳} و برنت^{۸۴}، ۲۰۰۶).

می توان اظهار داشت همجنس گرایی، یکی از نمونه های بارز تاثیر فشارهای سیاسی و اجتماعی بر تدوین "راهنمای تشخیص اختلالات روانی" می باشد. به عنوان نمونه، همجنس گرایی در زنان (لزبینیسم) در واقع موجی افراطی از جریان فمینیسم می باشد که عمده قدرت خود

83. McAnulty

84. Burnette

را در آن سال ها مدیون پیدایش دیدگاه فمینیسم می داند. در ذیل به بررسی ریشه های ایدیولوژیک و فلسفی پیدایش لژیونیسیم پرداخته می شود.

مبانی فلسفی پیدایش لژیونیسیم

لژیونیسیم از واژه یونانی **Lesbos** نام جزیره زادگاه سافو^۱ شاعره ی یونانی (۵۸۰-۶۱۰) برگرفته برگرفته شده است که علاقه متقابل میان زنان را در شعرش بیان نموده است (سالکایند^۲، ۲۰۰۶). نهضت فمینیسم- لژیونیسیم، جنبشی است که ریشه های ایدیولوژیک خود را از جنبش مردان همجنس باز گرفته است. فمینیسم - لژیونیسیم از جنبش مردان همجنس خواه در برخی جهات متفاوت است. اما همانند آن اصول اساسی اش، همجنس گرایی را به عنوان یک پایگاه اجتماعی می داند (فادرمن^۳، ۱۹۹۱). بخشی از نظریه پردازان فلسفه اخلاقی فمینیسم بر این باورند که زن مالک جسم و جان خویش است و تنها اوست که می تواند تصمیم بگیرد از این ملک چگونه و در چه راهی استفاده نماید یا با چه کسانی رابطه داشته باشد. براساس چنین مبناهایی است که از اخلاق همجنس گرایی زنانه (لژیونیسیم) دفاع می گردد (رحمتی، ۱۳۸۷). در واقع باید گفت، لژین بودن مزایایی برای این زنان دارد. یکی از آنها این است که به لژین ها اجازه می دهد زندگی جنسی و عاطفی خود را با سیاست های فمینیستی شان یکپارچه نمایند (کارد^۴، ۱۹۹۵). به عنوان نمونه، کلارک^۵ (۱۹۸۱)، در کتابی تحت عنوان "لژیونیسیم، مقاومت" بر این باور است که جریان لژیونیسیم از همان ابتدا، تنها اهداف سیاسی داشته و در واقع نوعی مقاومت است. از همین رو است

1. Sappho

2. Salkind

3. Faderman

4. Card

5. Clark

که برخی فمینیست های دو جنس گرا، لزبینیسم را به عنوان منزل موعودی می دانند که در آن می توانند مواجهه با احساسات عزت نفس پایین را مرمت نمایند یا از سواستفاده جنسی رهایی یابند. اگرچه فلسفه فمینیست، تنها در شکل افراطی آن (فمینیسم منفی) قابل نقد است، باید میان لزبینیسم که به نوعی شاخه ای انحرافی از فمینیسم است با فمینیسم مثبت تفاوت قایل شد. اما از دیر باز دو قالب فکری عمده درباره فمینیست ها وجود دارد: ۱- آنها از مردان متنفرند و ۲- همه آنها لزبین هستند. فمینیست های لزبین، جنسیت را چیزی بیشتر از سکس و لزبینیسم را به عنوان یک سیاست می دانند نه یک ترجیح. بنابراین لزبین ها یک موضع سیاسی و رای تجربیات شخصی را نیز به وجود آورده اند (کارتلج^۱ و همینگز^۲، ۱۹۸۲).

تعریف لزبینیسم

جهت گیری جنسی اشاره دارد به ترجیح برای جذب جنسی و دل بستگی به همجنس در برابر جنس مخالف که اغلب اما نه همیشه منجر به همان تجربه جنسی می گردد. موانع بیرونی مثل فرصت ها و یا فشارهای قانونی و اجتماعی همبستگی بین جهت گیری و رفتار را کاهش می دهند (لووی^۳، ۱۹۹۶). در زنان انعطاف پذیری جنسی بیشتری وجود دارد: میل جنسی زنان بیشتر از مردان تحت تاثیر عوامل محیطی و فرهنگی است (بیلی^۴، دوون^۵ و مارتین^۶، ۲۰۰۰). دلیل عمده ای که برای وجود تفاوت های مرد و زن در سوگیری های جنسی ذکر می گردد این است که میل جنسی زنان از رابطه عاطفی نزدیک و صمیمی و بنابراین از فاکتور های عاطفی و اجتماعی نشأت

1. Cartledge

2. Hemmings

3. LeVay

4. Bailey

5. Dunne

6. Martin

می‌گیرد. به عنوان نمونه الیس^۱ و سیمنوز^۲ (۱۹۹۰) محتوای تخیلات جنسی مردان و زنان را با هم مقایسه نمودند. تخیلات جنسی مردان بیشتر درباره ویژگی‌های فیزیکی فرد مورد نظر بود، اما محتوای تخیلی زنان درباره خصوصیات روانشناختی فرد می‌باشد.

در تعریف لژی‌نیسم و به طور کل جهت‌گیری‌های جنسی اصطلاح هویت جنسی نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد. هویت جنسی عبارت است از احساس فردی مرد یا زن بودن که از ۳-۴ سالگی نمایان می‌شود. اختلال هویت جنسی اشاره دارد به برجسب زدن خود به عنوان دگر جنس خواه، همجنس خواه و دو جنسی (فاگوت^۳، لین باخ^۴ و هاگان^۵، ۱۹۸۶). تا دهه ۱۹۷۰ همجنس‌گرایی به عنوان اختلال جنسی طبقه‌بندی می‌گردید. سپس در سال ۱۹۷۴ طی یک رای‌گیری و به دنبال جنبش‌های متعدد همجنس‌گرایان که معتقد بودند باید سبک زندگی شان مورد پذیرش و احترام قرار گیرد از لیست اختلالات حذف گردید (وین^۶، ۲۰۰۱). بنابراین در تعریف واژه لژی‌نیسم باید گفت؛ لژی‌نیستی است که به سمت زنان جذب می‌گردد، در رفتار جنسی درگیر می‌شود و خود را به عنوان لژی‌نین معرفی می‌نماید (دلفین^۷، ۲۰۰۷). پژوهش‌ها در غرب نشان داده‌اند که تقریباً ۲ تا ۵ درصد مردان همجنس‌گرا هستند. این آمار در زنان به ۱ تا ۲ درصد می‌رسد (دیاموند^۸، ۱۹۹۳).

1. Ellis

2. Symons

3. Fagot

4. leinbach

5. hagan

6. Winn

7. Delfine

8. Diamond

در این مقاله علل عمده زمینه ساز لژیینیسم در سه زمینه زیستی، روانی و اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد.

زمینه روانی

تبیین های اندکی برای همجنس گرایی و به خصوص لژیینیسم از نظر روانشناختی وجود دارد. نظریه روانکاوی بیشتر از دیگر نظریات، همجنس گرایی و علل آن را تبیین می کند. در این نظریه، ریشه اولیه همجنس گرایی به سال های اولیه زندگی بر می گردد، مثل فقدان نقش پدری موثر، تثبیت یا پسرفت در مرحله خود شیفتگی رشد، باخت در رقابت با برادران و خواهران. نظریه فروید درباره لژیینیسم شامل حل نشدن غبطه احلیلی می باشد. به عبارت دیگر اگر دختر نخستین آرزویش (پسر شدن) را همچنان حفظ کند، در صورت افراط بعد ها آشکارا همجنس گرا خواهد شد (کاپلان، ترجمه پورافکاری، ۱۳۷۹). نظریه روابط شی، نیز ادامه تثبیت اولیه دختر را بر مادر به عنوان شی محبوب و جستجوی آن در بزرگسالی را برای تبیین لژیینیسم به کار می برد.

زمینه زیستی

در بسیاری از گونه ها، آندروژن ها نقش حیاتی در فعالیت جنسی بازی می کنند. میزان ترشح و آندروژن های مادر می تواند رفتار جنسی را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد. همچنین روابط معکوس نیز می تواند دیده شود. به این معنی که درگیری در رفتار های جنسی می تواند به نوبه خود غلظت چرخه آندروژن را تعدیل نماید. (ون آندرز^۱، داون هامیلتون^۲، اشمیت^۳ و واتسون^۴، ۲۰۰۷).

صرفنظر از تاثیرات هورمونی دوران زایمان، دوران بلوغ و تغییرات زیستی که به دنبال آن دارد نیز اهمیت دارند. هورمون های جنسی طی رشد بر جهت گیری جنسی تاثیر دارند. این تاثیر در

1. Van Anders

2. Dawn Hamilton

3. Schmidt

4. Watson

پژوهش هایی که نشان دهنده میزان افزایش یافته پریاختگی آدرنال مادرزادی در دختران همجنس گرا و دوجنس گرا می باشد، حاصل شده اند (برای مثال: کوهن^۱ و گورن^۲، ۱۹۹۸).

مقدار آندروژن در زنان مبتلا به ناراحتی CAH (ناراحتی های فوق کلیوی مادرزادی) در سطح بالایی است. این دختران یا زنان در سنین کودکی رفتارهایی از خود نشان می دهند که بیشتر شبیه رفتار های پسرانه است. در سنین بزرگسالی نیز کمتر درگیر دگر جنس خواهی شده و نسبت به گروه کنترل بیشتر رویاهای همجنس خواهی دارند (برنهام^۴، ۱۹۹۲).

همچنین استرس مادری نیز منجر به وقوع بیشتر همجنس گرایی در پسران و دختران بویژه در طی اولین سه ماهه بارداری می گردد (بیلی^۵ و ویلرمن^۶ و پارکس^۷، ۱۹۹۱).

ون آندرز و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان داد که افزایش تستوسترون ناشی از فعالیت جنسی در زنان منجر به افزایش میل جنسی یا تجربه ارگاسم می گردد. اگرچه در پژوهشی دیگر نشان داده شد با وجود اینکه تماشای فیلم های تحریک کننده در مردان باعث افزایش سطوح تستوسترون می گردد. اما این امر در مورد زنان صادق نیست (هیمن^۸، رونالد^۹، هاج^۱ و گلاادو^{۱۰}،

1. Cohen

2. Gooren

3. Congenital Adrennal Hperplasia

4. Berenbuam

5. Bailey

6. Willerman

7. Parks

8. Heiman

9. Rowland

10. Hatch

۱۹۹۱). همچنین مطالعات بر روی دوقلوها، رویهم رفته نشان می دهد که در حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد تغییرات در جهت گیری جنسی، ژنتیک است. در کل با نگاهی به شواهد پژوهشی نتیجه گرفته می شود که جهت گیری جنسی عنصری ژنتیک نیز دارد که ممکن است در کروموزم X وجود داشته باشد. اگر همجنس گرایی به خاطر ژن های مرتبط با X باشد، بنابراین احتمال بالایی دارد که این ژن ها رشد و کارکرد گیرنده های استروئید غدد جنسی در مغز را تحت تاثیر قرار دهند (سایفی^۲ و شاندرآ^۳، ۱۹۹۹). پژوهشی دیگر مصرف نیکوتین در دوران بارداری را از عوامل اثرگذار بر همجنس گرا شدن زنان معرفی می نماید (الیس و کول هردينگ^۴، ۲۰۰۱).

شواهد نورآناتومیک

رابطه بین همجنس گرایی و عدم راست برتری دهه هاست که مطرح است. این امر اخیرا با فراتحلیلی متشکل از ۲۰ مطالعه انجام گرفته است که رابطه را تایید نموده است. میزان برتری در ۶۹۸۷ همجنس گرا مقایسه شد (۶۱۸۲ مرد و ۸۰۵ زن) و ۱۶۴۲۳ دگرجنس گرا (۱۴۸۰۸ مرد و ۱۶۱۵ زن). همجنس گرایان رویهم رفته ۳۹٪ احتمال بیشتری داشت که راست برتر نباشند؛ مردان همجنس گرا ۳۴٪ و لژیین ها ۹۱٪. به طور واضح رابطه بین جهت گیری جنسی و دست برتری در زنان قوی تر است. البته باید توجه داشت که این داده ها را نمی توان به جمعیت واقعی چپ برترها تعمیم داد (لالومیر^۵، بلانچارد^۶ و زاکر^۷، ۲۰۰۰). سینگ و همکاران (۱۹۹۹)، نیز به بررسی ویژگی

¹. Gladue

². Saifi

³. Chandra

⁴. Cole-Harding

⁵. Lalumiere

⁶. Blanchard

⁷. Zucker

های آناتومیک زنان لژیین پرداختند. داده ها نشان داد که لژیین های مرد نما^۱ ناهمنوایی جنسیتی کمتری در کودکی داشته اند. همچنین نسبت بیشتر اندازه کمر به باسن، سطوح بالاتر تستوسترون بزاقی و تمایل کمتر به زاییدن فرزند در مقابل لژیین های زن نما^۲ از دیگر ویژگی های آنها می باشد. اما لژیین های زن نما همنوایی جنسیتی بیشتری داشته اند. لژیین های مردنما، عموماً خصوصیات مردانه بیشتری از زن نماها دارند. همچنین، لژیین ها قد و وزن بیشتری از دگرجنس گرایان دارند (بوگارت^۳، ۱۹۹۸)

هسته سوپرا کیاسماتیک SCN^۴ منطقه ای است که در چرخه های شبانه روزی و رفتار جنسی دخیل است که در مردان همجنس گرا بزرگتر است. این ویژگی در لژیین ها نیز دیده می شود. همچنین هسته سوم هیپوتالاموس جانبی در مردان و زنان همجنس گرا کوچک تر است (باین^۴ و هکاران، ۲۰۰۱).

زمینه فرهنگی اجتماعی

همجنس خواه شمار بیشتری از برادران بزرگتر را نسبت به دگرجنس خواهان دارند (الیس^۵ و بلانچارد، ۲۰۰۱). اما این اثرات در زنان همجنس خواه دیده نمی شود (بوگارت^۶، ۱۹۹۷). همچنین مردان همجنس خواه برادران همجنس خواه بیشتری داشتند (در حدود ۱۵ درصد بیشتر) (بیلی و بیل^۷، ۱۹۹۳).

^۱. Butch Lesbian

^۲. femme Lesbian

^۳. Bogaert

^۴. Byne

^۵. Ellis

^۶. Bogaert

^۷. Bell

در حالیکه زنان همجنس باز نیز، خواهران همجنس خواه بیشتری از دگرجنس خواهان داشتند (۱۰ درصد بیشتر). همچنین میزانی از همجنس گرایی در برادران لژیین ها و خواهران مردان همجنس خواه وجود دارد (پاتاتوچی^۱ و همر^۲، ۱۹۹۵).

به نظر می رسد تغییر دیدگاه جامعه و فرهنگ نسبت به لژیینسم و همجنس گرایی که در طی نزدیک به ۴۰ سال رخ داده است و همچنین سیاست های دولتی یکی از عوامل تاثیر گذار در انتخاب لژیینسم به عنوان نوعی سبک زندگی و گرایش جنسی بهنجار باشد. به عنوان نمونه نیوپورت^۳ (۱۹۹۹)، گزارش نموده است درصد آمریکایی هایی که همجنس گرایی را به عنوان نوعی سبک زندگی می دانند از ۳۴ درصد در سال ۱۹۸۲ به ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است.

فرضیه ترجیح جنسی

فرضیه ترجیح جنسی، بیان می کند که هر رفتار منحرف جنسی، محصول مستقیم ترجیح جنسی منحرف است. یعنی مردانی که به انجام رفتار های منحرف جنسی می پردازند به دلیل اینکه این رفتار ها را به رفتار های جنسی قابل قبول ترجیح می دهند، آنها را انجام می دهند (مک گویر^۴، کارلیستل^۵ و یانگ^۶، ۱۹۶۵).

مک گویر و همکاران (۱۹۸۵)، پیشنهاد می کنند که ترجیح جنسی منحرف از شرطی سازی سرچشمه گفته است. شرطی سازی کلاسیک ادعا می کند که این نوع علاقه جنسی از طریق

1. Pattatucci

2. Hamer

3. Newport

4. McGuire

5. Carlisle

6. Young

تجربه همزمان محرک منحرف و حالت فیزیولوژیک برانگیخته جنسی به دست آمده است که منجر به رابطه روانشناسی شده است.

در حالیکه برانگیختگی تجربه شده با محرک غیر منحرف به تدریج به خاطر فقدان تقویت خاموش می گردد. نظریه شرطی سازی به خاطر عنصر ارزیابی و درمان ضمنی اش که روی سنجش و کاهش عملکرد منحرف تمرکز نموده به سرعت گسترده شده و دیدگاه اثرگذاری در تشریح ترجیح جنسی منحرف گردیده است (لاوز^۱ و مارشال^۲، ۱۹۹۰).

نظریات تکاملی

چندین نظریه تکاملی وجود دارند که همجنس خواه را توجیه می کنند. یکی از این نظریات، نظریه انتخاب طبیعی^۳ می باشد. در این نظریه، اعتقاد بر این است که ممکن است در محیط های اجدادی همجنس خواهان به برادر و خواهرانشان کمک کرده باشند تا به گونه موفق تری تولید مثل کنند (توسط تهیه منابع و فرزندپروری). بنابراین ژن های همجنس گرایی به صورت غیر مستقیم از طریق اجداد، اصل و نسب همشیران باقی می ماند (کرکپاتریک^۴، ۲۰۰۰). اگرچه همجنس گرایی منابع و سلامتی را حفظ می کنند، اما به نظر نمی رسد که در درجه اول این ها را به جای اینکه مستقیماً به سمت منابع همجنس دوستی^۵ دیگر هدایت کنند، بر روی خویشاوندان صرف نمایند (هویت^۶، ۱۹۹۵). برای مثال در پژوهشی نشان داده شد که مردان همجنسخواه، کمتر

1. Laws

2. Marshall

3. Kin selection

4. Kirkpatrick

5. homophile

6. Hewitt

از دگر جنس گرایان تمایل به صرف منابع خود برای خویشاوندانشان دارند (بابرو^۱ و بایلی، ۲۰۰۱).

نظریات دیگر بر دستکاری والدین از جهت گیری جنسی فرزندان تمرکز می کنند، مثل اینکه داشتن کودکان همجنس گرا به تولید مثل والدین سود می رساند. فرضیه اصلی این است که والدین منجر به تعدیل منابع یا اجتماع پذیری فرزندان مثل وادار ساختن آنها به رقابت در نقش های تولید مثل و افزایش همکاری برای تولید مثل همشیران می گردند. طبق این دسته نظریات فرض شده که رفتارهای همجنس گرایی به دلیل کمک به پیوستگی میان انسان های نوجوان همجنس در یک محیط انتخاب شده و دسترسی به منابع و به طور غیر مستقیم موفقیت تولید مثل را افزایش می دهد (کرکپاتریک، ۲۰۰۰).

کمبل^۲ (۱۹۹۹) نیز در فرضیه جالبی بیان نموده است که پرخاشگری زنان تولید مثل موفق تری به همراه دارد زیرا قابلیت زیستن فرزندان بیشتر به سرمایه گذاری از سوی پدر است تا مادر. بنابراین فرض بر این است که ممکن است زنان، گهگاه بخواهند کیفیت ژنتیک فرزندان خود را با جفت گیری با مردان دیگر افزایش دهند که این امر نیازمند خصوصیات مردانه بیشتری مثل جرات ورزی است.

نظریه پراکنجستگی تعمیم یافته^۳

بم^۴ ۱۹۹۶ در نظریه خود با عنوان "بیگانه، هوس انگیز می شود"^۵ بیان می کند که عوامل زیستی پیش بینی کننده ناهمنوایی جنسیت کودکی می باشند و کودک را از تعاملات اجتماعی با همسالان همجنس دور می کند. بیگانگی منجر می شود تا کودک بعداً در طی بلوغ و توسط

1. Bobrow

2. Campbell

3. general arousal mechanism

4. Bem

5. Exotic becomes erotic

مکانیسم برانگیختگی همسالان، همجنس را به عنوان هوس انگیز ببیند. سرانجام این همسالان همجنس در نوجوانی بوسیله مکانیسم تعمیم برانگیختگی جذابیت شهوانی می گیرند. این شاید تنها نظریه کامل روانی اجتماعی باشد.

اگرچه پیلا^۱، گارنتس^۲، اسپلدینگ^۳، کنلی^۴ و ونیگاس^۵ (۱۹۹۸)، معتقدند که این مکانیسم، لزبانیسم را به دلیل اینکه ناهمنوایی جنسیتی کودکی در دختران کمتر بیگانه کننده است (زیرا رفتارهای پسرانه یک دختر قابل قبول تر است) توجیه نمی کند.

آسیب شناسی لزبانیسم

پژوهش ها نشان داده اند که مصرف الکل و داروهای اعتیاد آور در بین مردان و زنان همجنس گرا بیشتر از دگر جنس گراها می باشد (برای نمونه: مک کب^۶، بوید^۷، هاگس^۸ و دارکی^۹، ۲۰۰۳). چندین مطالعه نیز ثابت کرده اند که مصرف الکل، شاخص حجم بدن و مصرف سیگار در لزبین ها بیشتر است (برای نمونه: دیامانت^{۱۰} و والد^{۱۱}، ۲۰۰۳). همچنین، مردان و زنان جوان

-
1. Peplau
 2. Garnets
 3. Spalding
 4. Conley
 5. Veniegas
 6. McCabe
 7. Boyd
 8. Hughes
 9. D'Arcy
 10. Diamant
 11. Wold

همجنس گرا ۲ تا ۳ بار بیشتر از دیگران اقدام به خودکشی می نمایند (وارویک^۱، اگلشن^۲ و دوگلاس^۳، ۲۰۰۱). پژوهش های فراوانی نشان داده اند که لژیبن ها از فقدان "منابع مقابله" رنج می برند و بنابراین در خطر کوشش های مقابله ای غیر انطباقی مثل مصرف الکل و داروها، خودکشی و ... در پاسخ به استرس هستند (مک کرنان^۴ و پترسون^۵، ۱۹۸۹ الف). در مقایسه ای میان مردان همجنس خواه و لژیبن ها دانکن^۶ (۱۹۹۰)، گزارش نمود که در حدود ۳۱٪ لژیبن ها و ۱۲٪ مردان همجنس گرا، تجاوز جنسی^۷ را تجربه نموده اند.

بنابراین می توان مشاهده نمود که موج فمینیستی که در مقابل مرد سالاری و نگاه کردن به زن به عنوان یک کالای جنسی قد علم نموده بود اکنون خود نیز گرفتار انحطاط شده است. علاوه بر این، نمی توان به راحتی از کنار تجارت پرسود پورنوگرافی لژیبن ها گذشت. موج فمینیسمی منفی که اکنون در خدمت فساد و فحشا قرار گرفته است.

اما موضوع دیگری که یکی از علل پیدایش فمینیستی – لژیبن بود، یعنی مقاومت در برابر مرد سالاری نیز نتوانست اهداف پایه گذاران این نهضت را برآورده نماید. شواهد پژوهشی نشان داده است که حتی لژیبن ها هم از طریق سو استفاده جنسی و تعرض و رفتار های اجباری جنسی در امان نیستند. به عنوان مثال، رنزی^۸ (۱۹۹۲)، در پژوهشی بر روی گروه نمونه ای ۱۰۰ نفره لژیبن

1. Warwick

2. Aggleton

3. Douglas

4. McKirnan

5. Peterson

6. Duncan

7. Rape

8. Renzetti

دریافت که ۴۸ درصد گروه نمونه اشاره کردند که در رابطه شان مجبور به سکس شده بودند و ۱۶ درصد نیز ادعا می کردند که به طور مداوم این اجبار را تجربه می نمایند. همچنین تناسب مردان و زنان همجنس باز برای فرزند پروری در بسیاری از زمینه ها مورد تردید است. اگرچه هم اکنون در تمامی کشورهایی که همجنس گرایی قانونی است، فرزند پروری نیز معمول است. در این کشورها، همجنس گرایان می توانند به روش های متعددی مثل فرزند خواندگی، عمل جراحی و تلقیح و یا حتی رابطه موقت با فرد ثالث، فرزند اختیار نمایند (کلارک^۱، ۲۰۰۱).

شیوع بیماری های جنسی واگیر داری مثل ایدز، تجاوز به عنف، بدرفتاری با همسر، آسیب های اجتماعی و ... و لزوم شناسایی و مقابله با عوامل زمینه ساز زیستی، روانی و اجتماعی این مسایل اهمیت پژوهش و آموزش بیشتر را نمایان می سازد.

بحث و نتیجه گیری

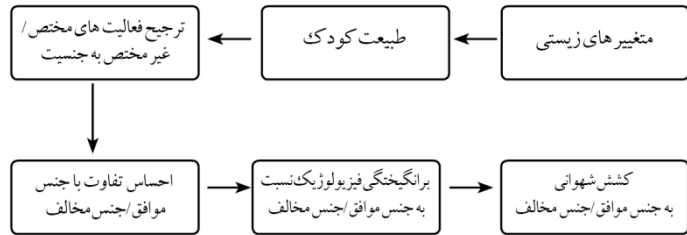
میل جنسی زنان از رابطه عاطفی و صمیمی و بنابراین از فاکتورهای عاطفی و اجتماعی نشأت می گیرد تا از جذابیت و برانگیختگی جنسی (چیورز^۲، سیتو^۳ و بلانچارد، ۲۰۰۷). به عنوان نمونه، ایس و سیمنوز (۱۹۹۰)، محتوای تخیلات جنسی مردان و زنان را با هم مقایسه نمودند. تخیلات جنسی مردان بیشتر درباره ویژگی های فیزیکی فرد مورد نظر بود، اما محتوای تخیلی زنان درباره خصوصیات روانشناختی فرد است. اما سرانجام از میان انبوهی از نظریه ها، کدام نظریه می تواند به خوبی رفتارهای همجنس گرایی را تبیین نماید؟ نظریه بیگانه - هوس انگیز (BB) بم (۱۹۹۶)، هم برای همجنس گرایی و هم دگر جنس گرایی تبیین های مناسب تری نموده است. این نظریه عوامل زیستی را به تنهایی ملاک قرار نمی دهد و بر تعامل فرد و محیط بویژه در سال های اولیه زندگی تاکید می کند. طبق این نظریه، عوامل زیستی مستقیماً بر گرایش جنسی اثر نمی گذارند، بلکه تاثیرشان بیشتر بر خلق و خو و صفات شخصیتی است. در نتیجه کودک، برخی فعالیت ها را

1. Clarke

2. Chivers

3. Seto

بیشتر انجام می دهد و برخی را کمتر. این فعالیت ها، به نوبه خود بر انتخاب همبازی (دختر یا پسر) نیز تاثیر می گذارند. در سال های بعد جنس مخالف برای فرد هوس انگیز تر می گردد. برانگیختگی فیزیولوژیایی نسبت به جنس مخالف نیز به صورت انگیزتگی جنسی تعبیر می گردد (نگاه کنید به شکل ۱).



شکل ۱. توالی رویدادهایی که منجر به جهت گیری جنسی در فرهنگ های جنسیت محوری می گردد.

این نظریه همجنس گرایی در زنان را بیشتر از مردان توجیه می نماید. به نظر بم، دختران به احتمال کمتری به دلیل استفاده از اسباب بازی های پسرانه یا بازی با پسرهای همسن و سال مورد تنبیه و سرزنش قرار می گیرند در حالیکه اگر پسری دست به رفتار های دخترانه بزند علاوه بر تنبیه و سرزنش از سوی همسالان خود نیز مورد طرد قرار می گیرد. به این ترتیب دختری که از کودکی با همسالان جنس مخالف خود همبازی بوده و حتی از سوی والدین خود تشویق نیز شده است به احتمال بیشتری از جنس خود فاصله می گیرد و در نتیجه مطابق با نظریه بم در بزرگسالی و بلوغ بیشتر جذب همجنسان خود که اکنون بیگانه محسوب می شوند قرار می گیرد. به این ترتیب، نمی توان با قطعیت بیان نمود که همجنس گرایی ریشه ارثی و زیستی دارد. چه بسا همجنس گرایی وجود دارند که ابتدا دگر جنس گرا بوده اند و در جریان یک عامل برانگیزاننده مثل تغییر محیط، تجربه اولیه با همجنس و ... به همجنس گرایی روی آورده اند. قدرت های سیاسی سازمان های حامی همجنس گرایی به قدری در آمریکا زیاد است که به زحمت می توان رد پای از مقالات و کتب مخالف اساس زیستی همجنس گرایی در اینترنت و یا کتابخانه ها یافت. امروزه و پس از گذشت نزدیک به ۴۰ سال از حذف اختلال همجنس گرایی از زمره اختلالات روانشناختی دیگر صحبتی از مضرات و معایب این اختلال به میان نمی آید. اما در رابطه با لژین هایی که روابط کودکی عادی با همجنسان خود داشته اند چطور؟ به نظر می رسد عمده مشکلات این افراد در

زمان ازدواج ظهور می یابد و آنهم یک علت اساسی دارد، عدم رضایت جنسی. روشن است که علل زمینه ساز این مسایل و نارضایتی ها را می توان با آموزش های مناسب به زوجین، پیش از ازدواج شناسایی و برطرف نمود. همجنس گرایی امری خلاف طبیعت بشر است و همچنین در تمام ادیان به ویژه دین مبین اسلام مورد نکوهش و پرهیز قرار گرفته است و با توجه به آسیب شناسی این اختلال، لازم است تا خانواده ها، مدارس و جامعه نسبت به این امر توجه خاص داشته باشند. علاوه بر این، به منظور پیشگیری از چنین انحرافات، لزوم تشویق جوانان به ازدواج و تسهیل در این امر حیاتی است.

منابع

-دوست کام، محسن، پور حیدری، سپیده، بساک نژاد، سودابه. (۱۳۸۹) لزینیسیم: بررسی عوامل زیستی، فرهنگی و روانی. اولین همایش منطقه ای آسیب شناسی روانی حقوقی زنان. دانشگاه آزاد واحد رامهرمز.

-رحمتی، حسینعلی. (۱۳۸۷). چرایی و چگونگی نقد فلسفه اخلاق فمینیستی. پژوهش زنان، دوره ۶. شماره ۴ زمستان. ۱۲۶-۱۰۹. ۸۷.

-کاپلان، هارولد. (۱۳۷۹). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری. ترجمه پور افکاری. تهران: شهر آب.

Bailey, J. M., & Bell, A. P. (1993). Familiarity of female and male homosexuality. *Behavior Genetics*, 23, 313-322.

Bailey, J. M., Dunne, M. P., & Martin, N. G. (2000). Genetic and environmental influences on sexual orientation and its correlates in an Australian twin sample. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 524-536.

Bailey J. M, Willerman L, Parks C. (1991). A test of the maternal stress theory of human male homosexuality. *Arch Sex Behav*;20: 277-93.

Bem, D. J. (1996). Exotic becomes erotic: a developmental theory of sexual orientation. *Psychological Review*, 103, 320-335.

Berenbaum Sa, Hines (1992). Early androgens are related to childhood sex typed toy preferences. *Psychology sci*. 3; 203-206.

Bobrow, D., & Bailey, J. M. (2001). Is male homosexuality maintained via kin selection. *Evolution and Human Behavior*, 22, 361-368.

Bogaert, A. F. (1997). Birth order and sexual orientation in women. *Behavioral Neuroscience*, 11, 1395-1397.

Bressler, L. C., & Lavender, A. D. (1986). Sexual fulfillment of heterosexual, bisexual, and homosexual women. *Journal of Homosexuality*, 12, 109- 122.

- Byne, W., Tobet, S., Mattiace, L. A., Lasco, M. S., Kemether, E., Edgar, M. A., Morgello, S., Buchsbaum, M. S., & Jones, L.B.(2001).The interstitial nuclei of the human anterior hypothalamus: an investigation of variation with sex, sexual orientation and HIV status. *Hormones and Behavior*, 40, 86–92.
- Card, Claudia. (1995). *Lesbian choices*. New York: Columbia University Press.
- Cartledge, Sue, & Hemmings, Susan. (1982). How did we get this way? In Marsha Rowe (Ed.), *Spare rib reader* (pp. 326–335). Harmondsworth: Penguin.
- Case, P., Austin, S. B., Hunter, D. J., Manson, J. E., Malspeis, S., Willett, W. C., (2004). Sexual orientation, health risk factors, and physical functioning in the Nurses' Health Study II. *Journal of Women's Health*, 13(9), 1033-1047.
- Chivers. M. L; Seto, M. C; Blanchard, R. (2007). Gender and Sexual Orientation Differences in Sexual Response to Sexual Activities Versus Gender of Actors in Sexual Films. *Journal of Personality and Social Psychology*. 2007, Vol. 93, No. 6, 1108–1121
- Clarke, Cheryl. (1981). Lesbianism: An act of resistance. In Cherríe Moraga & Gloria Anzaldúa (Eds.), *This bridge called my back*. Writings by radical women of color (pp. 128–137). Watertown, MA: Persephone Press.
- Clarke, Victoria (2001). What about the children? Arguments against lesbian and gay parenting. *Women's Studies International Forum*, Vol. 24, No. 5, pp. 555–570.
- Cohen-Kettenis PT, Gooren LJG. Transsexualism: a review of etiology, diagnosis and treatment. *J Psychosomatic Res*. 1998;46:315– 33.
- Delfine, Karen Michele. (2007). A Comparison of physical activity among women based upon sexual orientation. Doctoral degree thesis. University of Pittsburgh.
- Diamant, A., & Wold, C. (2003). Sexual orientation and variation in physical and mental health status among women. *Journal of Women's Health*, 12(1), 41-49.
- Diamond, M. (1993). Homosexuality and bisexuality in different populations. *Archives of Sexual Behaviour*, 22, 291–310.
- Duncan, D. (1990). Prevalence of sexual assault victimization among heterosexual and gay/lesbian university students. *Psychological Reports*, 66, 65–66.
- Ellis, L., & Blanchard, R. (2001). Birth order, sibling sex ratio, and maternal miscarriages in homosexual and heterosexual men and women. *Personality and Individual Differences*, 30, 543–552.
- Ellis L, Cole-Harding S. (2001). The effects of prenatal stress, and of prenatal alcohol and nicotine exposure, on human sexual orientation. *Physiol Behav*;74:213–26.
- Ellis, B. J., & Symons, D. (1990). Sex differences in sexual fantasy: An evolutionary psychological approach. *Journal of Sex research*, 27, 527– 555.
- Faderman, L. (1991). *Odd Girls and Twilight Lovers: A History of Lesbian Life in Twentieth-Century America*. Middlesex: Plume.
- Fagot, B. I., leinbach, M. D., hagan. R. (1986). gender labing and the adaption of sex-typed behaviors. *Development psychology*: 440-443.
- Fisher, S. (1973). *The female orgasm*. New York: Basic Books.
- Heiman, J.L., Rowland, D.L., Hatch, J.P., Gladue, B.A., (1991). Psychophysiological and endocrine responses to sexual arousal in women. *Arch. Sex. Behav*. 20, 171–186.
- Hewitt, C. (1995).The socio-economic position of gay men—a review of the evidence. *American Journal of Economics & Sociology*, 54, 461–479.
- Hite, S. (1976). *The Hite report: a nationwide study of female sexuality*. New York: Dell.

- Jeffreys, Sheila. (1999). BISEXUAL POLITICS: A SUPERIOR FORM OF FEMINIS. *Women's Studies International Forum*, Vol. 22, No. 3, pp. 273–285.
- Kirkpatrick, R. C. (2000). The evolution of homosexual behavior. *Current Anthropology*, 41, 385–413.
- Lalumiere, M. L., Blanchard, R., & Zucker, K. J. (2000). Sexual orientation and handedness in men and women: a meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 126, 575–592.
- Laws, D. R., & Marshall, W. L. (1990). A conditioning theory of the etiology and maintenance of deviant sexual preference and behavior. In W. L. Marshall, D. R. Laws, & H. E. Barbaree (Eds.), *Handbook of sexual assault: Issues, theories and treatment of the offender* (pp. 209–230). New York: Plenum.
- LeVay, S. (1996). *Queer science: the uses and abuses of scientific research on homosexuality*. MA: MIT Press.
- McAnulty, R. D., M., & Burnette, M (2007). *Sex and sexuality*. London: Praeger.
- McCabe, S. E., Boyd, C., Hughes, T. L., & d'Arcy, H. (2003). Sexual identity and substance use among undergraduate students. *Substance Abuse*, 24(2), 77–91.
- McGuire, R. J., Carlisle, J. M., & Young, B. G. (1965). Sexual deviations as conditioned behavior: A hypothesis. *Behavior Research and Therapy*, 2, 185–190.
- McKirnan, D. J., & Peterson, P. L. (1989a). Alcohol and drug use among homosexual men and women: Epidemiology and population characteristics. *Addictive Behaviors*, 14, 545–553.
- Moshtagh, N., Shayesteh Khoo, S., Eftekhar Ardebili, M., Mehrabi, F., Bidokhti, N(2008). The relations of sexuality, sex addiction and AIDS anxiety in homosexual and transsexuals in Iran. *Sexologies*, April 2008, Page S156, Volume 17, Supplement 1.
- Newport F. Some change over time in Americans' attitudes towards homosexuality, but negativity remains. *Gallup News Serv* 1999.
- Peplau, L. A., Garnets, L. D., Spalding, L. R. , Conley, T. D. , & Veniegas, R.C.(1998).A critique of Bem's "Exotic becomes erotic" theory of sexual orientation. *Psychological Review*, 105, 387–394.
- Pattatucci, A. M. L., & Hamer, D. H. (1995). Development and familiarity of sexual orientation in females. *Behavior Genetics*, 25, 407–420.
- Renzetti, C. (1992). *Violent betrayal: Partner abuse in lesbian relationships*. Newbury Park, CA: Sage.
- Saifi, G. M., & Chandra, H. S. (1999).An apparent excess of sex and reproduction related genes on the human X chromosome. *Proceedings of the Royal Society of London, Series B: Biological Sciences*, 266, 203–209.
- Salkind, N. J. (2006). *Encyclopedia of human development*. Vol 2. London: Sage.
- Singh, D., Vidaurri, M., Zambarano, R. J., & Dabbs, J. (1999). M Lesbian erotic role identification: behavioral, morphological and hormonal correlates. *Journal of personality and Social Psychology*, 76, 1035–1049.
- Van Anders, Sari M. Dawn Hamilton, Lisa. Schmidt, Nicole. Watson, Neil V. (2007). Associations between testosterone secretion and sexual activity in women. *Hormones and Behavior*. 51. 477–482.
- Warwick, I. Aggleton, P. Douglas, N. (2001). Playing it safe: addressing the emotional and physical health of lesbian and gay pupils in the U.K. *Journal of Adolescence*. 2001, 24, 129–140.
- Winn, Philip (2001). *Dictionary of Biological Psychology*. London and New York: Routledge.